

مفهوم و اهمیت قانون و قانونگذاری

مقدمه:

انسان را خداوند (ج) موجود اجتماعی خلق کرده است تا در جامعه زندگی نماید و واقعیت امر این است که انسان در جامعه متولد گردیده و باید در جامعه زندگی کند. حیات اجتماعی با به عبارت دیگر، زندگی در جامعه لحظه به لحظه روابط متعددی را از قبیل روابط فامیلی، مدنی، تجارتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره را ایجاد می کند. بنابراین، انسان نمی تواند همه مایحتاج و ضرورت های خود را به تنهایی بر آورده سازد، زیرا که بنای جامعه بر اساس تقسیم کار گذاشته شده و همه افراد در جامعه در همه امور، کار و تولید تخصص و مهارت لازم ندارند بلکه هر فرد از افراد جامعه در يك کار و يك عمل معین مهارت دارد که به اساس آن رفع نیازمندی صورت می گیرد. مثلاً دهقانی محصولات زراعتی را تولید می کند که قسمتی از احتیاجات روزمره او را تکافو می کند اما مجبور است که متباقی احتیاجات خود را از طریق مبادله مستقیم و یا غیر مستقیم تامین نماید. از همین جاست که بین افراد روابط مالی که بنام مناسبات اقتصادی یاد می گردد ایجاد می شود که این مناسبات با مناسبات فامیلی متفاوت می باشد؛ چه مناسبات فامیلی تنظیم کننده روابط خصوصی بین اعضای خانواده و فامیل می باشد.

در پهلوی این روابط، نوع دیگری روابط میان افراد نیز در جامعه ایجاد می گردد که بنام روابط سیاسی شناخته می شود، زیرا جامعه به تامین نظام و امنیت عمومی توسط قدرت های عامه یعنی ارگانهای عالی دولت تمثیل می گردد، احتیاج دارد. برای اینکه ارگانهای عالی دولت وظیفه خود را در تامین نظم و امن عامه و همچنان بر آورده ساختن احتیاجات جامعه بصورت درست انجام داده بتواند ایجاد می کند که اقتدار و صلاحیت امر ونهی را طوریکه همه افراد جامعه مکلف به اطاعت از آن باشند از طرف جامعه حاصل نموده باشد.

واقعیت امر این است که زندگی اجتماعی حقوق و وجایی را بر هر فرد از افراد جامعه اعطا و تحمیل می کند و هر فرد را مکلف می سازد تا به منظور احترام به حقوق خود و حقوق دیگران از بعضی حقوق فردی خود صرف و نظر نماید. زیرا؛ حقوق انسان وقتی از طرف دیگران مورد احترام قرار می گیرد که او نیز به حقوق دیگران احترام داشته باشد. هر گاه قیود و شروطی را که جامعه بر سلوك و روش انسان تحمیل نموده دقیقاً مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که شرایط مذکور از لحاظ طبیعت و مصادر آن با هم متفاوت می باشد که بعضی آن توسط قواعد مربوط به آداب عامه و برخی دیگر آن بر روی قواعد اخلاقی بر انسان لازم گردیده است. مثلاً وقتی می گوئیم که انسان به هم نوع فقیر و محتاج خود در صورتیکه توان مالی داشته باشد، کمک نماید این صرف يك وجبیه اخلاقی است. اما اگر شخص باوصف استطاعت مالی به چنین معاونتی دست نمی زند و از آن خودداری می کند، هیچ کس حق ندارد او را از طریق جبر و فشار به اجرای آن مکلف سازد که در این صورت صرف ضمیر بیدار و احترام به انسان و کرامت انسانیست است که شخص را به اجرای چنین عملی وامی دارد و از تحقیر و غضب جامعه او را بر کنار می سازد.

اما برخی از این قیود و شروط اجتماعی وجایب محض نبوده بلکه نسبت به وجایب اخلاقی قوی تر و شدید تر وبا اجبار توأم می باشد. یعنی اینکه انسان جبراً به احترام آن مکلف شناخته می شود که به نام وجایب قانونی یاد می شود. مثلاً هرگاه پدری با وصف داشتن استطاعت مالی از دادن نفقه به اولاد صغیر خود ابا می ورزد و یا اینکه شخصی با وصف داشتن مال و دارایی از ادای دین خویش خودداری می کند، محکمه از طریق فروش اموال به تادیه دین او را مجبور می گرداند. همچنان اگر شخصی مخالف نظم عامه مرتکب جرمی گردد از طرف ارگانه های عدلی و قضائی مورد تعقیب و بازپرسی قرار گرفته و به جزا محکوم می گردد (1:4). از آنچه که فوقاً تذکار یافت چنین بر می آید که تامین نظم و امنیت عامه بدون قواعد قانونی هرگز میسر نبوده و در حیات بشری، قانون به حیث يك ضرورت مبرم جامعه شناخته شده است. چه بدون موجودیت قانون در جوامع بشری نمی توان نظم و امن اجتماعی، مناسبات و روابط ذات الیینی میان افراد را بصورت بهتر و اساسی تر تامین نمود. چنانچه گفته می شود جایی که قانون وجود ندارد در حقیقت نظام اجتماعی موجودیت ذهنی خواهد داشت. اینك بعد از يك پیش درآمد مختصر به تعریف، ماهیت و ضرورت قانون در جوامع بشری پرداخته که تادر پرتو آن بدانیم قانون چیست و قانونگذاری در يك جامعه چطور نیازمندی های عینی و موجود آن را پاسخگو می باشد و در هنگام وضع قانون به کدام نکات اساسی توجه صورت گیرد.

اصطلاح قانون:

کلمه قانون از لغت یونانی کانون "Canoon" که به معنی قاعده و ترتیب است گرفته شده است. در اصطلاح حقوقی عبارت است از قواعدی که با رعایت تشریفات خاص از طرف قوه مقننه وضع می گردد (3:4).

این موضوع در ماده (94) قانون اساسی سال 1382 افغانستان نیز چنین تصریح شده است: "قانون عبارت است از مصوبه هردو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد مگر اینکه در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد" (10:53). ریشه کلمه قانون یونانی است که از راه زبان سریانی وارد زبان عربی شده است و در اصل به معنی "خط کش" به کار رفته است و بعد به معنی قاعده برگشته و امروز در زبان های اروپایی به معنی شریعت کلیسایی نیز استعمال می گردد.

قانون در لغت عرب، مقیاس و معیار هر چیزی را گویند که به تعبیر کلی تر در آمده و به هر قاعده کلی الزامی اطلاق شده است. بطور مثال گفته میشود قانون طبابت، قانون طبیعی، قانون مدنی و غیره اما این اصطلاح کمتر مورد استعمال فقیهان مسلمان قرار گرفته و در عوض از اصطلاح فقه که وسعیتر میباشد و شامل (عبادات، عقوبات و معاملات) میباشد استفاده بعمل آمده است و آنان بجای قانون اصطلاحات شرع، شریعت و حکم شرعی را بکار برده اند (7:12).

در زبان عربی استعمال الفاظ "قانون" و "حق" هرکدام به مدلول و مفهوم خاصی استعمال میشود چنانچه در زبان انگلیسی عین روش مستعمل میباشد اما در زبان فرانسوی هر دو مفهوم به يك لفظ استعمال میشود.

لفظ قانون بمعنی عام آن شامل مجموعه قواعد قانونی است که همه روابط و مناسبات اجتماعی را تنظیم میکند. گاهی لفظ قانون به منظور خاص یعنی دلالت آن به فرع از فروع قانون وضعی استعمال میگردد. چنانچه گفته میشود قانون مدنی، قانون، تجارت، قانون بین الملل عمومی، قانون بین الملل خصوصی و غیره در این حالت منظور از استعمال کلمه قانون صرف همان قواعد قانونی است که جنبه خاص از فعالیت های جامعه را در مجموع آن تنظیم میکند.

گاهی کلمه قانون به معنی تقنین (Cod) بمعنی مجموعه مواد و نصوص خاصی بفرع معینی از فروع قانون استعمال می‌گردد. مثلاً گفته می‌شود که ماده اول قانون مدنی و یا ماده دهم قانون جزایی عمومی چنین حکم میکند که مراد آن مجموعه قانون مدنی یا قانون جزای عمومی می‌باشد. (9:1)

در حال حاضر قانون سه معنی اصطلاحی ذیل را افاده میکند:

معنی اول عمومی است و منظور آن کلیه قوانین مدونه می‌باشد. طوریکه قبلاً گفته شد قانون جزای عمومی افغانستان و قانون مدنی افغانستان و یا اینکه کود مدنی ناپلیون.

معنی دوم آن شرع و شریعت بمعنی اعم است. کلمه شرع و شریعت در لغت عرب مأخوذ از کلمه شارع می‌باشد و آن خدواند عزوجل منشاء و مصدر شرع اسلام است.

معنی سوم بصورت خاص می‌باشد و به قواعد و معاملات الزامی عمومی اطلاق می‌شود. مثلاً گفته می‌شود مجلس شورای ملی یا پارلمان کشور قانونی جهت جلوگیری از احتکار وضع نمود.

قانون به معنی اخیر به معاملات اختصاص دارد و شامل عبادات نمی‌گردد. برخلاف قوانین فقه اسلامی، قانون در این معنی دارای ضمانت اجرایی است و الزامی بودن آن مستند به تنفیذ حکومت است و عمومیت دارد و نسبت به قضیه یا شخص معینی وضع نمیشود بلکه برای همه مردم یا عده‌ای از آنها بدون استثناء وضع می‌گردد.

استعمال کلمه قانون در زمان حکومت عثمانی بیشتر به احکام صادره از طرف دولت بکار میرفت تا آنها را از احکام مبتنی بر ادله معروفه خود می‌باشد، جدا کند. چه امکان دارد در مسئله‌ای حکم شرع با قانون موضوعه منافات داشته باشد. مثلاً ربا در شرع حرام است ولی ممکن است در قانون مباح باشد.

کلمه شرع به معنی قانون نیز بکار رفته و چنانچه گویند شرایع الاسلام. دانشمندان اصول، حکم را به معنی قانون شرعی و کلمه حاکم را به معنی شارع استعمال کرده اند. (2:14)

تعریف قانون:

ترمینولوژی حقوق قانون را چنین تعریف نموده است: قانون عبارت است از مقررات موضوعه‌ای است که توسط مقامات ذیصلاح وضع شده باشد و یا بعباره دیگر دستور کلی که بوسیله مرجع با صلاحیت انشاء شده و بوسیله مجالس قانونگذاری تصویب و سپس به توشیح مرجع صلاحیتدار برسد.

در فقه به چیزی قانون (یا قانون شرع) گفته می‌شود که دارای خصوصیات ذیل باشد:

الف- کلی باشد خواه الزامی (مانند اوامروناهی) باشد نه مانند مستحبات و مکروهات.

ب- از طریق وحی رسیده باشد خواه بصورت قرآن و خواه بصورت احادیث.

ج- جنبه دوام داشته باشد ولو اینکه بصورت اضطراری موقتاً در بعضی از اماکن با اعصار بدل پیدا کند. (5:518)

در تعریف دیگر قانون عبارت از مجموعه قواعدیست که روابط اجتماعی را تنظیم میکند و عند الاقتضاء افراد جامعه از طریق قوه به اطاعت از آن مکلف ساخته میشوند و یا اینکه قانون قاعده عمومی و مدونی است که از طرف قوه و مقام صلاحیتدار طبق نوشته تصویب گردیده است.

امام ابن تعریف صرف یکی از جوانب قانون را در بر می‌گیرد اما جانب دیگر آن اینطور خلاصه می‌شود که قاعده قانونی عملاً به فرد حق میدهد تا با حمایت آن به اجرای اعمال معین بپردازد مانند تصرفات مالکانه او در ملکیتش از قبیل بهره برداری، خرید و فروش و غیره و همچنان حق مطالبه داین از مدیون و مجبور ساختن مدیون به تادیه دین. درین حالت به خوبی مشاهده

میشود که قانون و حق با هم لازم و ملزوم بوده و یکدیگر را تکامل بخشیده بناً گفته میتوانیم که قانون در این اصطلاح عبارت از یک سلسله قواعدی است که حقوق اشخاص را تعیین و آنرا حمایت میکند (8:1).

ضرورت و نیازمندی جامعه به قانون:

شک نیست که هر جامعه به موجودیت قواعد قانونی احتیاج و ضرورت مبرم دارد تا منافع افراد آن حمایت گردد در غیر آن انارشیزم و استبداد روی کار آمده قوی بر ضعیف غالب و حکومت زور در جامعه حکمفرما شده، تشویش و اضطراب سرپای جامعه را فرا میگیرد. بناً قانون ضرورت مبرم هر جامعه بوده و اساس نظم و آرامش آنرا تشکیل میدهد حتی در جوامع ابتدایی یک سلسله قواعد یکه از عرف و عادات منبع میگرفت اساس حیات اشتراکی شانرا تشکیل میداد. بعضی از این قواعد مناسبات بین افراد فامیل و برخی از آن مناسبات ملکیت زمین، اموال، بهره برداری و انتقال ملکیت آن را بعد از مرگ مالک به اشخاص دیگر تنظیم مینمود.

بر علاوه، قواعد دیگر نیز موجود بوده که اعمال غیر مشروع یعنی اعمالی را تشخیص و به مرتکب آن مجازات تعیین مینمود، تحمیل مجازات بر مرتکب جرم از طرف رئیس فامیل و یا رئیس قبیله صورت می گرفت در صورتیکه تجاوز خارج از دایره فامیل بوقوع می پیوست از طریق قوه حل و فصل میگردید. البته این امر تا وقتی دوام نمود که جوامع بشری به مدنیت آشنا گردید و با پیشرفت مدنیت در جوامع بشری طبقات بمیان آمد و بر اساس تضاد های طبقاتی دولت ایجاد و وضع قواعد جزای و تنظیم مناسبات خصوصی و تطبیق آن را به عهده گرفت. (5:1)

در اینصورت بعد از بوجود آمدن دولت ها قواعد قانونی نیز غرض تنظیم و حفظ نظام اجتماعی موجوده و ابقای آن لازمی به نظر رسید. روی همی دلیل تمام دولت ها به تناسب رشد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خویش قوانین مختلفه را تدوین و به معرض اجراء گذاشتند تا بالوسیله آن به اهداف اصلی خویش نایل آیند. بناً در جوامع بشری غرض حفظ نظم و امن و تامین حقوق و آزادی های افراد، وضع قوانین غرض بقاء و موجودیت آن امر حتمی میباشد.

قوانین اولیه:

طوریکه قبلاً تذکر به عمل آمد، در تمام جوامع بشری برای تامین نظم و دفاع از حقوق افراد قوانین به گونه های مختلفه آن وجود داشت. حفظ حقوق طبقه خاص بوسیله وضع قوانین سابقه طولانی دارد و البته این امر قبلاً به اساس عرف و عادات مروج صورت میگرفت که درینصورت گفته میتوانیم قانون دیرتر از عرف ظاهر شده و این امر بدو علت صورت گرفته است:

اولاً اینکه پیش از هر چیز گفته میشود که قانون مستلزم استفاده از خط است و تنها در دوره نسبتاً جدید از تاریخ بشریت بوجود آمده است که در واقع این ضابطه خیلی محکم نیست. میتوان قواعد حقوقی را تصور کرد که بطور شفاهی اعلام شده و دارای خصوصیات قواعد تقنینی است. ثانیاً اینکه قانون مستلزم وجود یک دستگاه تخصصی است که آنرا تهیه و تنظیم کند و این دستگاه نزد مردم زمان های باستان یافت نمی شده است زیرا: آنها تحت رژیم عرف های سنتی زندگی میکردند زیرا فرض قانون، تقسیم کار و فرق گذاشتن میان وظایف است و آنان هنوز چنین چیزی را نمیدانستند.

کهن ترین قوانین شناخته شده، متون بین النهرین متعلق به هزاره دوم قبل از میلاد مسیح اند که شناخته ترین آنها به عنوان نخستین متن از حیث تاریخی، قوانین حمورابی پادشاه بابل است. قوانین دیگری بطور محسوسی جدید اند مثلاً ده فرمان موسی و چند قرن بعد قوانین هندی مانو (Manoo) قرن سوم (6: 36). قانون الواح دوازده گانه قدیم ترین قوانین مدونه روم است که به دنبال قیام حق طلبانه طبقه خاص به تصویب رسیده است. و آن طوری بود که میان اشراف و طبقه حاکم روم و اشراف با طبقه متوسط اختلافی پدید آمد. به اثر پیروزی طبقه متوسط الواح دوازده گانه بصورت قانون مدون تصویب گردید و به پیروی از قوانین سلن (Solon) حکیم یونانی، ده نفر قوانین مذکور را نوشته بر چوب و فلز نگاشتند و در میدان عمومی شهر آویختند، مقررات الواح دوازده گانه از عرف و عادات قدیم رومیان حکایت میکرد. پیدایش مذهب خاصاً مسیحیت و ظهور دین مقدس اسلام، تحولات و انقلابات دیگر اجتماعی مانند؛ انقلابات سالهای 1688 و 1789 در انگلستان و فرانسه و انقلابات قرن بیستم هر یک پدید آورنده قوانین نوینی بودند و اگر بتاریخ قدیم نیز مراجعه کنیم می بینیم که مجموعه قوانین حمورابی در دو هزار سال قبل از میلاد در بابل و قوانین مانو (Manoo) در هند قدیم و قوانین سلن (Solon) و دراکن (Dracon) در آتن نمودار تحولات اجتماعی زمان خود میباشد (6: 54). بنابراین قانون بمفهوم قاعده حقوقی عام مبین تحول و رشد هر اجتماع است. واضح است که در میان هر قوم و ملت دسته ای از قواعد زندگی وجود دارد که در مجموع اخلاق معین را معرفی میدارد و حقوق و تکالیفی را برای اعضای آن اجتماع بوجود میآورد.

مزایای قانون:

واضح است که موقف قانون نسبت به سایر مصادر حقوقی بیشتر بوده خصوصاً در کشور های پیرو نظام حقوق مکتوبه اما بصورت حلص قانون مزایای ذیل را دارا میباشد:

1- قانون بشکل مدون و مکتوب از جانب اشخاصیکه در فن قانونگذاری تخصص و مهارت دارند وضع میشود. مواد قانون محدود و معین بوده بطور صریح در مورد امر و نهی و منازعات قابلیت تطبیق را دارد.

2- یکی از مزیت قانون اینست که حقوق و واجبات افراد را معین مینماید و در نتیجه باعث تحقق امن و استقرار معاملات در اجتماع می شود حالانکه در سایر قواعد حقوقی مزیت فوق وجود ندارد.

3- مزیت دیگر قانون این است که به احتیاجات جامعه بطور سریع جواب میگوید خواه از نگاه تعدیل قانون موجود باشد و همچنان خلای قانون را میتوان با وضع قانون ومقررات جدید پر نمود.

4- یکی دیگر از مزایای قوانین اکتساب وحدت در دولت است که بشکل قاعده عام بالای افراد جامعه بصورت یکسان تطبیق میشود و بدینوسیله میتوان عدالت را به وجه بهتران در جامعه تامین کرد. (2: 53)

بنابراین گفته می توانیم که موجودیت قانون که ازطرف قوه ومقام ذیصلاح وضع می گردد یکی از نیازمندی های جوامع بشری کنونی می باشد که هر کشور آنرا بنابر مقتضا وشرایط موجود خود وضع وبه منصفه اجراء می گذارد. از اینرو یکی از مشخصات عصر کنونی موجودیت سیستم قانونگذاری است که اینک آنرا به بررسی می گیریم.

مفهوم واهمیت قانونگذاری:

سیستم قانون گذاری هر مملکت به میزان رشد و تحول آن بستگی دارد بنابراین هر اجتماع همزمان با تکامل جامعه تحول پذیر است. روابط اجتماعی افراد در کیفیات مختلف و زمانه های گوناگونی اوضاع و احوال محیط های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در حال تغییر و تحول است. قواعد حقوقی نیز به قول منتسکیو بر حسب چگونگی های تاریخی و مذهبی، ملی، جغرافیایی زمان و مکان و حتی آب و هوا تغییر میکند و باید پاسخگوی تحولات اجتماعی باشد. هرچه جامعه بدوی تر باشد قوانین و آنهم ابتدایی است و هرچه اجتماع پیش رود و تحول کند قوانین آنهم باید بتواند پاسخگوی نیاز ها و تحولات اجتماعی باشد. امروز قوانین در اکثر کشورهای جهان توسط قوه مقننه (پارلمان) وضع و بعد از طی یک سلسله مراحل به منصفه اجرا گذاشته میشود که این مراحل شامل طرح، مسوده، غور و بررسی از طرف اهل خبره (تدقیق) و بالاخره پیشنهاد آن به قوه مقننه و سپس تصویب آن غرض توشیح به مرجع عالی دولت (رئیس دولت) میباشد، بوجود آمده و بعد از نشر آن در جریده رسمی، قانون متذکره قابل اجرا می باشد.

چون قانون برای مردم وضع میشود و اگر مردم قانون را بکلی مخالف رسوم و اداب و عنعنات و اعتقادات مذهبی خود بدانند در ظاهر امر از اطاعت نمیکند که در انیصورت هدف قانون که عبارت از تامین نظم و امن و اسایش در جامعه میباشد وقتی تحقق میابد که قانون مخالف روحیه و عنعنات مردم وضع نشود.

بنابراین قانونگذار هنگام تدوین قوانین باید به نکات زیر توجه جدی داشته باشد:

مطابق عقاید ژان ژاک روسو آنهاست که توانایی ایجاد قوانین را دارند و میخواهند برای ملت خود قوانین مناسب را وضع نمایند باید هنگام تدوین قوانین متوجه نکات ذیل باشند:

1- انشاء قوانین و مضامین آن باید صریح باشد چنانچه بهترین نمونه برای نشان دادن قانون صریح میتوان از قوانین الواح دوازده گانه نام برد که حتی اطفال رومی آنها را فرا گرفته و حفظ میکردند.

2- انشاء قانون باید ساده باشد و شخص برای دریافتن آن محتاج تفکر نگردد و تا آنجاییکه ممکن است از طمطراق و عناوین بزرگ و کوچک خودداری شود.

3- مضامین قانون باید طوری نوشته شود که همه از آن یک مطلب را درک کنند نه اینکه هرکسی از آن یک مطلب علیه را استنباط کند. چنانچه در این مورد میتوان از مثالی نام برد: در روم قدیم قانونی وجود داشت در برابر اینکه هرگاه کسی یک غلام آزاد شده را باز به غلامی ببرد و یا در صدد تشویش خاطر او برآید مجازاتش اعدام است. در این قانون جمله (درصد تشویش خاطر او برآید) مبهم است زیرا معلوم نیست که چه چیزی باعث تشویش خاطر شخص میشود که مشوش شدن خاطر شخص بسته بمیزان حساسیت او است.

4- وقتی میخواهند در قانون مجازات مالی را وضع نمایند حتی المقدور نباید مجازات مالی بنرخ پول وضع کرد برای اینکه بهای پول به تبعیت زمان و عوامل دیگر تغییر میکند و در نتیجه کم شدن بهای پول چنین جرمی رایج میشود. مثلاً در روم قدیم جرم سیلی زدن فرد بدون موجب 25 شاهی بود البته زمانی که این قانون وضع شده بود 25 شاهی پول گران و جالب توجه بود. این وضع را در قانون جزای 1355 افغانستان نیز به خوبی مشاهده کرده میتوانیم. چنانچه ماده 479 آن در مورد تقلب در معاملات تجارتي چنین معشر است: (شخصیکه عمداً از طریق نشر و قایع مختلفه و یا اخبار کاذب یا پروپاگند و یا از طریق ارتکاب سایر اعمالیکه متضمن تقلب یا فریب باشد سبب بلند رفتن و یا پائین آمدن قیمت اجناس اوراق مالی اماده ترویج گردد یا جنسی از اجناس اماده استهلاک را پنهان نماید یا سبب آن گردد به حبس قصیر یا جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند و یا بیکی از این دو جزا محکوم میگردد.) (9: 227).

در این ماده به خوبی مشاهده می شود که در سال 1355 پنج هزار افغانی پول گرانی بود و تادیه آن از طرف شخص مجرم نهایت دشوار بود اما در حال حاضر ویا اینکه ده سال قبل پرداخت پنج هزار افغانی پول گرانی به حساب نمی آمد. بنابراین این ماده نه تنها موجب جلوگیری از جرایم نمیشود حتی ممکن است سبب تشویق افراد متمول به ارتکاب جرایم گردد. در این مورد باید تذکر داد که اگر در قوانین جزا های مالیاتی پیش بینی میشود قوانین باید ارزش آن مطابق نرخ روز و اسعار معتبر شرعی از قبیل نقره طلا و غیره تعیین شود تا ارزش آن مطابق نرخ روز سنجیده شود و بتواند منحصیث یک عامل باز دارنده نقش اساسی را ایفاء نماید.

5- هرگاه در قانون حدود و حقوق اشخاص بطور مشخص معلوم گردید نباید عبارات و مضامینی بکار برده شود که جنبه ابهام داشته و بالنتیجه حدود و حقوق اشخاص را غیر معلوم کند.

6- قوانین هرگز نباید لطیف و دقیق نوشته شود و قانونگذار نبوغ و استدلال منطقی خود را در آن بکار ببرد. زیرا قوانین برای کسانی نوشته میشود که فهم شان کم است و فقط دلایل ساده و عادی را میتوانند بفهمند.

7- در قانون باید حتی المقدور موارد استثنایی کم باشد و بهتر است که اصلا موارد استثنایی وجود نداشته باشد زیرا موارد استثنایی و وارد شدن در جزییات شخص را وارد استثنائات و جزئیات دیگر میکند

8- تغییر دادن قوانین بدون دلیل کافی جایز نیست. (8:875)

9- دلیل موجه کردن قانون عقلانی باشد. وقتی میخواهند برا یموجه کردن قانون دلیل بیاورند این دلیل بایستی عقلانی و در خور و عظمت و حیثیت قانون باشد. مثلا یکی از قوانین روم مقرر داشته بود که نابینایان نمیتوانند در محکمه اقامه دعوی نمایند و دفاع کنند. زیرا قادر به دیدن ترینات قضات نیستند این دلیل برای موجود کردن این قانون خیلی کودکانه است و حالانکه میتوانستند دلایل بهتر و عقلانی تری ذکر کنند.

10- فرضیات قانونی همواره باید بر فرضیات افراد و تصورات آنان رجحان داشته باشد. مثلا مطابق قوانین فرانسه تمام معاملاتیکه یک نفر تاجر ورشکسته ده روز قبل از ورشکست شدن انجام داده غیر مشروع و تقلبی است یعنی قانون فرض میکند در این ده روز تمام معاملات تاجر تقلبی بوده است.

11- قانونگذار باید متوجه باشد که هیچگاه قواعد بی فایده وضع ننماید زیرا قوانین بی فایده، اثر قوانین مفید را نیز از بین می برد و بطور کلی همواره باید متوجه بود که قانون اثر داشته باشد. مثلا در روم قانونیت مقرر میکرد که وارث فقط یک چهارم اموال مورث را ببرد و قانون دیگری مقرر میداشت که مورث حق دارد وارث را از بردن یک چهارم اموال خود محروم کند. این طرز قانونگذاری قانون را بازیچه مقنن قرار میدهد زیرا قانون دوم اثر قانون اولی را بکلی از بین میبرد.

12- قوانین موضوعه هرگز نباید با اخلاق حسنه عمومی مخالف باشد. مثلا فلیپ دوم پادشاه اسپانیا خود را خادم کلیسا میدانست قانون وضع کرد که هرکس شاهزاده او راژ (شاهزاده معروف اسپانیوی) را بقتل برساند 15 هزار کود (واحد پول و طلا) دریافت خواهد نمود و در شماره اشراق در خواهد آمد و اگر خودش در قید حیات نماند این مبلغ به ورثه او پرداخت خواهد شد. ولی باید دانست که تحریک بقتل نفس بنام خادم کلیسا برخلاف دیانت میباشد و نیز اعطای رتبه نجابت برای آدم کشی برخلاف شرافت و اخلاق حسنه است.

13- چون قانون غالبا و بلکه همیشه برای تنبه مجرمان و جلوگیری از تقلب و خدعه وضع میشود و بایستی خالی از خدعه و تزویر و اغراض باشد مثلا یکی از قوانین ویزیکوئتها که در اسپانیا سکونت داشتند این بود که یهودیان را جبرا وادار میکردند که انواع غذای آمیخته شده به

گوشت خوک را بخورند. این قانون ظالمانه و ناشی از اعراض خصوصی بود زیرا چون یهودیان اصلاً گوشت خوک را نمیخوردند و آنها گرا وادار بخوردن گوشت خوک مینمودند. (878:8)

14- بالاخره اصل دیگر این است که اشخاصیکه طرح و مسوده قانون را آماده می سازند و اشخاصیکه آنرا تصویب و توشیح میدارند متوجه این امر باشند که هیچ قانونی نمی تواند برخلاف دساتیر مذهبی و دینی و با لایحه قانون اساسی باشد. بنابراین هر قانون عادی باید یکبار از غریبال احکام مذهبی و دینی و قانون اساسی بگذرد تا درآینده سبب تفسیر و تعبیر های مختلف و متفاوت از احکام آن قانون نگردد. (10 : 3)

طوریکه قبلاً تذکر به عمل آمد هر قانون باید مراحل مختلفی را طی نماید تا بتواند قدرت اجرایی پیدا کند که پس از گذشتن این مراحل به صورت قاعده حقوقی در می آید و احترام آن بر همه واجب می شود. این مراحل عبارت اند از تسوید، تصویب، توشیح و نشر می باشد. بررسی هر یک از این مراحل در این مقاله گنجایش ندارد و تنها در اینجا نظر به اهمیت موضوع می خواهم به مرحله آخر قانون که عبارت از نشر آن است اندکی توضیحات بدهم. به دلیل اینکه از آنجائیکه اکثریت قوانین نافذه کشور ملاحظه گردیده است قانونگذار به این موضوع توجه چندانی صورت مبدول نداشته و به آن سطحی نگریسته است.

لزوم و اثر انتشار قانون:

هنگامی انتظار اجرای قانون منطقی است که مفاد آن منتشر و به اطلاع عموم رسیده باشد. زیرا، تا شخص حقوق و تکالیف خود را نداند، چگونه می توان او را به لحاظ تخلف از قانون و انجام ندادن وظیفه مسوول دانست؟ طوریکه عقل سلیم و متعارف عقوبت پیش از بیان را قبیح می داند، قانون نیز باید از این دایره عقلی و فطری پیروی کند.

از سوی دیگر، چون قانون حاوی قاعده و حکم عام است. ناچار باید به آگاهی همه مردم برسد و اعلان و نشر شود. وسیله نشر رسمی قانون جریده رسمی است که بعداً می توان در رسانه های جمعی دیگر نیز به نشر رساند. در نتیجه، انتشار قانون لازمه اجرای آن است و بدین ترتیب مهلت مقرر برای اجرای قانون آغاز می شود. پیش از انتشار قانون همه جاهل به آن محسوب می شوند و مفاد آنرا نسبت به هیچ کس نمی توان رعایت کرد. (4: 320)

اما باید خاطر نشان نمود که قانون بعد از نشر در جریده رسمی به اطلاع همه مردم نمی رسد به ویژه در کشورهای عقب مانده مانند افغانستان، و هیچ وسیله ای وجود ندارد که مفاد قانون را به همه ملت تفهیم نمود. از طرف دیگر به بهانه این اشکال، نمی توان از انتشار قانون صرف و نظر کرد و بی هیچ تشریفاتی اراده قوه مقننه را الزام آور ساخت. پس، ناچار باید بعد از گذشتن مهلتی همه را آگاه فرض کرد و با در نظر گرفتن راه حل خاصی این دشواری اجتماعی را برطرف کرد. راه حلی که قانونگذار انتخاب می کند بر یکی از این دو مبنی استوار است: یا اینکه بعد از امضاء (توشیح) نافذ پنداشته می شود یا مهلتی از تاریخ امضای قانون معین می شود و پس از آن در سراسر کشور همه آگاه فرض می شوند.

در فرض اول قانونگذار هیچ مهلتی برای نشر قانون و آگاهی مردم از قانون نمی دهد که در این صورت به جز یک عده محدودی که در پروسه طرح، تصویب و توشیح قانون دخیل اند سایر افراد جامعه از محتوای قانون هیچ آگاهی ندارند و حقوق و مکلفیت های خود را نیز نمی دانند در حالیکه مفاد قانون بالای آنها قابل اجراء می باشد. طوریکه این مساله در قوانین مختلفه ایکه جدیداً وضع گردیده است تصریح شده است. بطور مثال، ماده 35 قانون حمایت از رقابت از زمینه انفراد این قانون چنین نگاشته است: " این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر می گردد و با انفاذ آن احکام مغایر ملغی شمرده می شود." (11 : 44)

دربعضی از قوانین نافذه کشور روش دومی نیز پذیرفته شده است. که به موجب آن برای آگاهی از محتویات قانون، قانونگذار بعد از نشر یک مدت زمانی را معین می نماید که مردم ومسؤولین امور از محتویات قانون مطلع گردند. طوریکه این موضوع در مقرره معدن کاری چنین تصریح شده است: " این مقرره یک ماه بعد از تاریخ نشر درجریده رسمی نافذ می گردد. (12: 210)

همه می دانیم که در کشور ما تعداد زیاد مردم بی سواد می باشند و اغلب باسوادان نیز جریده رسمی را نمی شناسند و تعدادی که می شناسند آنها همواره نمی خوانند. ازجانب دیگر هرگاه قوانین در روزنامه ها هم چاپ گردد این روزنامه ها در اختیار همه مردم قرار نمی گیرد و شاید در پاره ای از نقاط کشور هنوز هیچ نسخه آن فرستاده نشود. بنابراین، وسیله ای که قانون گذار برگزیده است هیچ فایده عملی نخواهد داشت و فقط تظاهر به انتشار قانون می باشد. پس بهتر این است که پس از مهلت معین از تاریخ انتشار آن درجریده رسمی، در تمام نقاط کشور قابل اجراء باشد و همه آگاه از آن فرض شوند. چنانکه در بلژیک و فرانسه از این روش پیروی شده است و برای آگاهی از محتوی قانون باوجود اینکه این دو کشور از جمله کشورهای پیشرفته جهان بوده و تمام امکانات طبع و نشر و اطلاع رسانی قوانین برای مردم وجود دارد، اما با آنها برای اجرای قوانین لااقل مدت ده یا بیست روز را بعد از نشر آن در نظر گرفته اند. (4: 325)

پس بر مقننین و قو مقننه لازم است که ضرورت های عینی و موجود جامعه را خود را درک و قوانینی را وضع نماید که به حال ملت و مردم آن سرزمین مفید و سازگار بوده و پاسخگوی نیازهای آن جامعه باشد.

نتیجه گیری:

از گفته های فوق چنین استنباط می شود که قانون عبارت از مجموعه قواعد ومقررات رهنمونی است که از طرف قوه ومقام صلاحیت دار غرض حفظ نظم وامن در جامعه وضع شده که هدف آن برقراری مناسبات حسنه فی مابین افراد وحمايت حقوق وآزادی افراد از تعرض دیگران، تامین نظم اجتماعی، مجازات وتوبیخ افرادیکه نظم اجتماعی را برهم میزنند، می باشد.

بنابراین قانون پدیده ای است اجتماعی که هم زمان با بوجود آمدن اجتماعات وعلی الخصوص دولت این پدیده هم عرض وجود کرده که حتی در جوامع ابتدایی ما شاهد موجودیت قوانین هستیم که از جمله کهن ترین قوانین می توان از قوانین الواح دوازده گانه، قوانین حمورابی، قانون مانو، سولن وغیره نام برد.

بنأ هر جامعه سیاسی به تناسب رشد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی وحقوقی خویش قوانین مربوط خود را دارا بوده وآنرا منحيث یگانه وسیله حفظ نظم وامن در جامعه به منصفه اجراء می گذارد. نظام حقوقی وقانونگذاری در هر اجتماع بستگی به اوضاع خاص جغرافیایی واجتماعی آن سرزمین دارد وبر قانونگذارواشخاصیکه در این راستا سرو کار دارند لازم است تا قوانین را هم زمان با شرایط موجود عینی وذهنی جامعه خویش وضع نمایند که پاسخگوی نیازمندی های آن جامعه شده بتواند عدالت اجتماعی را در بین افراد آن جامعه بصورت بهتر واحسن آن تامین نماید وتمام نابرابری های اجتماعی وسیاسی وفرهنگی آن جامعه را در نظر گرفته وحقوق وآزادی های افراد از تعرض مصون دارد تاباشد اعتبار وحیثیت قوه مقننه در ذهنیت عامه خدشه دار نشده وقانون به دیده احترام نگریسته شود در غیر آن نه تنها موجب حفظ نظم وامن در جامعه نخواهد شد، بلکه موجبات تشویش واضطراب افراد را فراهم خواهد کرد ومفهوم واعتبار قانون نزد ملت از بین خواهد رفت. پس بر قانونگذار لازم است که در هنگام وضع قانون اصول کلی که در فوق ذکر گردید را در نظر گرفته تا مؤثریت قانون از بین نرود.

منابع و مأخذ:

- 1- بدرآوی، منعم. (1367) مبادی علوم قانونی. ترجمه محمد اکرم عبقری، جلد اول، کابل: مرکز تحقیقات علوم اسلامی.
- 2- ظریف، محمد عالم. (1362) مبادی حقوق. گسنتنر طبع شده، کابل: پوهنهی حقوق و علوم سیاسی.
- 3- عدل، مصطفی. (1342) حقوق مدنی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- 4- کاتوزیان، ناصر. (1379) کلیات حقوق، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- 5- لنگرودی، محمد جعفر. (1374) ترمینولوژی حقوق. چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- 6- لوی برول، هانری. (1353) جامعه شناسی حقوق. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران.
- 7- محماصی، صبحی. (1358) فلسفه قانونگذاری در اسلام. ترجمه اسماعیل گلستانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- 8- منتسکیو. (1362) روح القوانين. ترجمه علی اکبرمهدی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- 9- وزارت عدلیه. (1355) قانون جزای افغانستان. کابل: جریده رسمی، شماره 347.
- 10- وزارت عدلیه. (1383) قانون اساسی افغانستان. کابل: جریده رسمی، شماره 818.
- 11- وزارت عدلیه. (1388) قانون حمایت از رقابت. کابل: جریده رسمی، شماره 1010.
- 12- وزارت عدلیه. (1388). مقررہ معدن کاری. کابل: جریده رسمی، شماره 1007.

Written by: Prof Wali. Mohammad Naseh
Member of Private Law Department
Faculty of Law and Political Sciences
Kabul University

The concept and value of Code and Codification

Abstract:

Because human beings are social creatures, they need to have social relationships with others. Moreover, living in a society has its own requirements. Therefore, mankind needs to enter into different transactions to meet their needs. To regulate those transactions, every society requires laws and regulations enacted by legislatures and governments.

In our language, the term “law” has different meanings. First, in a general sense, it refers to all written laws and regulations imposed by the legislature, such as the Constitution, the Civil Code, the Criminal Code, and the Commercial Code. Second, it refers to Sharia, meaning the path and guidance that God has shown to people through His Messengers. Third, in a particular sense, it covers all transactions and actions that people may undertake, which include the rights and obligations of individuals.

Historically, in every early society we can find some kind of law adopted to organize daily activities. For instance, the Laws of Solon in Greece and the Laws of Manu in India, which date back to the 3rd century B.C. The issue became more important when the concept of government and legislation began to play a significant role in modern societies.

In the present period, law has specific advantages. It provides predictability and explains the rights and obligations of individuals. Another advantage lies in the enactment procedure, as laws are created by the representatives of the people and remain effective for a long time. Moreover, once enacted, a law must be published so that people are informed of its content. There is an official gazette in which laws and regulations are published.

We can conclude that in every society, without law, order and the lives of people would not be in a good condition